

# روح‌یابی از مذاکرات در خانه ملت

## درایت شهید بهشتی و مصونیت نمایندگان

گلباز عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، نگاه به مقوله مصونیت نمایندگان را دارای جنبه‌های افراط و تفریط می‌داند و می‌گوید: متأسفانه قوای مقننه و قضائیه در این رابطه دو برداشت متفاوت از قانون اساسی دارند. این تفاوت برداشت هم ناشی از تلقی بنیان قانون اساسی در هنگام تدوین آن می‌باشد.

تدوین کنندگان قانون اساسی اعتقادی به مصونیت نمایندگان نداشته و به‌رغم آن‌ها این یک نوع برخورد تبعیض‌آمیز است که نماینده‌ای را به جهت نماینده بودنش در بعضی موارد مشمول معافیت کنند. بررسی مشروح مذاکرات تنظیم قانون اساسی نشان می‌دهد که اگر درایت و پایداری شهید بهشتی و سخنان روشنگرانه ایشان نبود، مصونیت فعلی هم در قانون اساسی ما دیده نمی‌شد. گلباز با اشاره به بحث مصونیت نمایندگان در قانون اساسی دوران مشروطه می‌گوید: در این قانون به صراحت به مصونیت نماینده در قبال اظهار نظر و رأی که می‌دهد، تأکید شده است و حتی آمده که در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده، قبل از اعمال نظر قوه قضائیه، باید موضوع در کمیسیون قضایی مجلس مطرح و پس از تصویب آن در این کمیسیون، به قوه قضائیه احاله شود. در حالی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب مصونیت نمایندگان فقط یک اصل آمده که آن هم به گونه‌ای است که حداقل مصونیت را برای نماینده قایل است.

## هنوز ۴۰ درصد قانون اساسی را اجرا نکرده ایم

حجت‌الاسلام شکوری نماینده مردم زنجان جمع‌بندی خود را از مشکلات درون قوه مقننه چنین بیان می‌کند:

مجلس یک قوه قانونگذار است و شورای نگهبان هم بخشی از این قوه است. مجلس و شورای نگهبان در مقابل هم نیستند. ما از نظر حقوقی، سه قوه داریم. شورای نگهبان مکمل قوه مقننه است. در شرایط حاضر شورای نگهبان در کنترل مصوبات مجلس حساسیت بیش از حد معمول به خرج می‌دهد که ناشی از بدبینی است که به‌شماره از نمایندگان مجلس ششم دارد. در حالی که باید اصل را نه بر بدبینی بلکه بر برائت بگذارند، همان‌گونه که در فقه داریم. الآن هم در مواردی که با دلیل ثابت می‌شود شورا باید اصل را بر سوءظن و بدبینی نگذارد و با این دیدگاه مصوبات مجلس را بررسی کند، و همین‌طور صلاحیت کاندیداها را با مبنا قرار دادن اصل برائت در نظر بگیرد؛ ارتکاب جرم استثناسنه اصل. اگر شورای نگهبان این را مبنا بگیرد یک قدم به تفاهم نزدیک شده‌ایم. مجلس هم تصورش این نباشد که

شورای نگهبان مجموعه‌ای از افراد غیرمتعهد است که اغراض شخصی را دنبال می‌کنند، آن‌ها هم متدین هستند و ما هم از این سوءظن باید بیرون بیاییم و فرض بر غرض جناحی نکرده بلکه حمل بر سخت‌گیری کارشناسانه کنیم هر چند که من این سخت‌گیری را معمول نمی‌دانم. دوبخش از یک قوه در صورتی نقش مفیدی را ایفا می‌کنند که تفاهم داشته باشند، در حالی که فعلاً هر دو نقش منفی را بازی می‌کنند.

دومین مشکل این است که نظرات افراطی و تفریطی است. جناح افراطی راست معتقد به حذف اصلاح‌طلبان است. این طرف هم می‌گوید راه اصلاحات به بن‌بست رسیده، در حالی که قانون اساسی ظرفیت‌های بنیادین عمیق و گسترده‌ای دارد که ما می‌توانیم در چارچوب میثاق ملی مشکلاتمان را حل کنیم. من در بررسی قانون اساسی متوجه شده‌ام که هنوز حدود ۴۰ درصد از مفاد قانون را اجرا نکرده‌ایم و بخش عظیمی از قانون هنوز عملیاتی نشده است.

در برخی موارد هم که اجرا شده هنوز ظرفیت تکمیلی دارد. کشورهای مثل فرانسه یا آمریکا قانون‌شان را به سادگی تغییر نمی‌دهند سالیان سال با آن کار می‌کنند و نواقص را برطرف می‌سازند و با آن مبنا، کشور را از ورود در عرصه‌های بحران بازمی‌دارند. هنوز حدود ۲۰ سال از تصویب قانون اساسی نگذشته، که شعار تغییر قانون سر داده‌ایم، کشوری که از نظر حقوقی ثبات نداشته باشد به سعادت نمی‌رسد.

تردید نسبت به قانون، تردید به ظرفیت‌های حقوقی را به دنبال دارد که باید در آن صورت به خشونت متوسل شویم که آن هم خلاف واقعیت است. من معتقد نیستم به بن‌بست رسیده‌ایم بلکه قانون اساسی ظرفیت‌های اساسی و کلانی دارد. هر چند اختلاف سلیقه هست اما نباید به معنی انتهای راه تلقی کنیم. مثلاً در رابطه با انتخابات گلستان، مجمع تشخیص مصلحت مصوبه خوبی در این زمینه داشت که حدود ۷۰ درصد نظر مجلس را تأمین می‌کرد، اما شورای نگهبان آن را عمل نمی‌کند.

## ضرورت ساماندهی تشکیلات مجلس

وحیده طالقانی عملکرد مجلس ششم را این‌گونه ارزیابی می‌کند:

مجلس ششم خواب نیست، جنب‌وجوش دارد. تازه واردها راهکارها را نیاموخته‌اند و با سکوتشان آن را یاد می‌گیرند. یک اشکال این است که آموخته‌های خود را به دیگران انتقال نمی‌دهیم تا راه برای جوانان باز شود و جهش پیدا کنند. شاید این مسأله ریشه غربی داشته باشد، آن‌ها «کلام» برایشان ارزش دارد و در مقابل پول آموزش می‌دهند. ما با فرهنگ اسلامی و با توجه به تعالی افراد می‌توانیم دانش خود را در اختیار دیگران

بگذاریم.

یکی دیگر از اشکالات مجلس ششم این است که تشکیلات سازمانی منظمی ندارد، ما باید آیین نامه داخلی مجلس را هر چه سریعتر اصلاح کنیم تا اشکالی پیش نیاید و با دید آینده نگر به آن نظم بدهیم که شامل همه زمان‌ها بشود.

تشکیلات داخلی مجلس را سامان بدهیم و هر کس با توجه به تخصص مربوطه در جای خودش قرار بگیرد. در حال حاضر جو طوری است که اجازه نمی‌دهند تشکیلاتی با توجه به تجربه و تخصص نمایندگان یا بگیرد و هر کس در جایگاه خود باشد.

**اقلیتی که به منافع ملی نمی‌اندیشد، امین نیست**

دادفر عضو کمیسیون اصل ۹۰ در رابطه با «خروج از حاکمیت» معتقد است:

«خروج از حاکمیت» یک بحث انقلابی است که اصلاً به گذر جریان اصلاحات نمی‌افتد و با اصلاحگری منافات دارد. کسانی هم که بحث استعفا را مطرح می‌کنند معتقدند تمامی روش‌های موجود برای اصلاحات کارساز نبوده است. چون جناح مقابل اصلاحات، همه راه‌ها را مسدود می‌کند، پس ما باید حاکمیت را رها سازیم و آن را به مردم واگذار کنیم. استعفا زمانی می‌تواند صحیح باشد که معتقد باشیم جناح مقابل تنها در برخی نظریات با ما متفاوت است اما عملکرد این جناح نشانه این است که متأسفانه منافع ملی حایز اهمیت نیست و شاید به سادگی حاضر باشند برای حذف رقیب نظام را فدا کنند و یا مملکت را دچار بحران سازند. به چنین حریفی نمی‌شود کار را واگذار کرد، حریفی که عاجز از حفظ منافع ملی باشد، این برای مردم عواقب نامطلوب گسترده‌تری دارد. ما احساس «مادر» نسبت به انقلاب و نظام داریم نمی‌توانیم دایه‌ای را که قصد سر راه گذاشتن طفل را دارد، امین بدانیم. اگر خود را عمده و کارگر جناح مقابل بدانیم و آن‌ها را صاحب کار، حتماً در هنگام ناسازگاری آن‌ها می‌توانیم قهر را پیشه کنیم، اما واقعیت این است که ما نماینده و عمده «مردم» هستیم. اگر هم اکثریت مجلس در حالت سکوت به سر می‌برند، هم مشغول یافتن راه‌های بهتر وارد شدن به عرصه اصلاحات می‌باشند و هم سرگرم مرور گذشته و تدوین استراتژی آینده.

جنبش اصلاحی که از سال ۷۶ آغاز شده بسیار موفق بوده است:

- ۱- تمام موانع پدید آمده مشخص شده است.
- ۲- زوایای قدرتی که در آن موانع وجود دارد نشان داده شده است.
- ۳- در طول چند سال گذشته شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت را به صورت تحلیلی به مردم معرفی کرده است.
- ۴- حرکت‌های نهفته میلیتاریستی را به مردم شناسانده است.
- ۵- بخشی از کسانی را که داعیه‌دار برنامه‌ریزی برای کشور بوده‌اند، معرفی کرده که تا چه اندازه صادق هستند.
- ۶- گذشته اجرایی سیاسی نظام و دولت را معرفی کرده است.

توفیق در این نیست که افرادی را برادریم و افراد دیگری را جایگزین کنیم، بلکه توفیق در این است که جنبش اصلاحی، یک حرکت «بیداری گرایانه» بود. مجلس ششم تا به حال دوران موفق داشته، حتی در

پاسخ گویی به خواست‌های اساسی مردم موفق بوده است.

مجلسی که می‌خواست گذشته را نقد کند و فضای سیاسی را باز کند، در این حرکت به موانعی برخورد کرد که معرفی و شناخته شدن آن‌ها توفیق مجلس ششم بود. مجلس این روند را ادامه می‌دهد، به طوری که مخالفین اصلاحات را فرسوده کنند و من مخالف صد درصد کسانی هستم که خروج از نظام را بررسی می‌نمایند.

دادفر در پاسخ به این پرسش که آیا وارد یک مناظره فرسایشی نشده‌اید؟ می‌گوید: ما در مجلس ششم وارد یک مبارزه سیاسی شده‌ایم. مبارزه هم الفبای خاص خود را دارد. ما در برابر حریفی که می‌خواهد قدرت خود را گسترش دهد و طرف مقابل را به عقب براند، نباید کنارگیری کنیم. این نوعی ناآگاهی سیاسی است. این که می‌گویند مجلس افسرده است حرف درستی نیست. به طور مثال برای انتخابات گلستان ما دو سوم آراء را می‌خواستیم که بیش از آن حاصل شد. یا در مورد عکس‌دار کردن شناسنامه‌ها ... امضاها هم جدی بود و نمایندگانی که فعال هستند امضا کردند. من این را می‌گویم، دادفری که محکومیت قضایی دارد.

دادفر در مورد میزان حمایت افکار عمومی از مجلس معتقد است: تا زمانی که با صداقت رفتار کنیم مردم با ما هستند، مگر آن که دوز و کلک داشته باشیم.

#### اختلافات کنونی فکری و اصولی است

عبایی خراسانی نماینده مشهد مشکلات اداره مملکت را در دوگانگی می‌داند و معتقد است:

دوگانگی یا چندگانگی به این معنی که اختلافات، از حد اختلاف سلیقه فراتر رفته و به آستانه اختلافات اصولی و فکری رسیده است.

به طور مثال اکثریت مجلس و اکثریت مردم معتقدند که شورای نگهبان نباید نظارتش نظارت استصوابی باشد و برای این موضوع دلایلی دارند و این را خلاف آزادی انسان‌ها و خلاف قانون اساسی می‌دانند ولی شورای نگهبان معتقد است که نظارت، نظارت استصوابی است و می‌گوید ما باید تشخیص بدهیم که چه کسی صلاحیت دارد انتخاب شود و چه کسی صلاحیت ندارد، و نه مردم.

یا مثلاً قوه قضاییه در مسایل امنیتی هم دخالت می‌کند. مبنای قوه قضاییه این است که برای ایجاد عدالت و رفع ظلم باشد حتی مسؤول قوه قضاییه می‌گوید: «مدت‌ها باید بگذرد که قوه قضاییه اصلاح شود و ما فسادهای قوه قضاییه قبلی را نمی‌توانیم رو کنیم.» اما از طرف دیگر کمیته ویژه تشکیل می‌دهند که کسانی را که موافق مذاکره و رابطه با آمریکا هستند دستگیر کنند، یا در رابطه با زندانیانی که به عنوان ملی‌گرا معرفی می‌کنند، قوه قضاییه می‌گوید این‌ها برانداز هستند ولی وزارت اطلاعات دلیلی برای برانداز دانستن این‌ها نمی‌بیند. سن بالای بسیاری از متهمین و همچنین غیرعلنی برگزار شدن دادگاه این شائبه را ایجاد می‌کنند که مسأله، براندازی نیست. براندازی همراه اسلحه و تشکیلات و برنامه‌ریزی است و نیروی کارآمد لازم دارد. این‌ها اهل این برنامه‌ها نیستند، شخصیت‌هایی هستند که با مسؤولین درجه اول و دوم مملکت آشنا بوده‌اند، و اختلافات دیگر زمینه این اتهام است. تا این اختلافات حل نشود،

پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نخواهیم داشت.

من معتقدم در مملکت اختلافات بسیاری ممکن است باشد اما تا حدی که جلوی اصلاحات و قدم‌های مثبت گرفته نشود. می‌شود به یک نفر گفت بنشین یا نرو و... اما نمی‌شود گفت فکر نکن!

پیشنهاد من این است که همه ادب و نزاکت را رعایت کنند. اخلاق رعایت شود، دروغ نگوییم و واقعیت‌ها را بگوییم و مبالغه نکنیم.

حضرت امیر صرف نظر از این که امام است و حق با اوست، با مخالفین برخورد می‌کرد. نظر حضرت علی برای حل اختلافات، گفتمان بود و اصلاح در محیط آرام که این موضوع را حضرت در فرمان خلافت خلیفه اول و دوم عنوان کرد.

**فرمان همه پرسى مستقل از تصمیم مجلس است**

قوامی رییس کمیسیون قضایی راه حل مشکلات کنونی را در بازگشت به قانون اساسی قبل از بازنگری می‌داند و معتقد است همه پرسى دو تا گردنه دارد که باید از آن بگذرد: رفراendum تصمیم مجلس است نه مصوبه، بنابراین نیازی به تصویب شورای نگهبان ندارد.

از طرف دیگر نیازی به اعلام رهبری هم ندارد چون فرمان همه پرسى مستقل از تصمیم مجلس است.

**چرا افغان‌ها، آمریکا را به عنوان ناجی پذیرفتند؟!**

علی اکبر اعلمی نماینده مردم تبریز در نطق قبل از دستور در تاریخ ۸۰/۱۰/۹ گفت: علی‌رغم صورت و سیرت زیبایی که قانون اساسی از نظام سیاسی کشور ترسیم کرده... متأسفانه جریانى در کشور اهتمام خویش را صرف سرکوب، تهدید، تحدید و تحقیر مظاهر جمهوریت و در رأس آن مجلس کرده

است، این جریان خواسته یا ناخواسته با دفاع بد از نظام می‌رود ایران را نیز گرفتار سرنوشت افغانستان نماید. همگان به خوبی می‌دانند طالبان در افغانستان محصول اراده آمریکا بود، به کمک آمریکا در این کشور پر و بال گرفت، در کوتاه‌ترین مدت به اوج قدرت رسید، با افکار قرون وسطایی خود

جدی‌ترین آسیب‌ها را به چهره منور اسلام زد و تا آنجا پیش رفت که مردم افغانستان آمریکا را با آغوش باز به عنوان ناجی خود پذیرفتند. به گمان من چنین جریانی در ایران نیز در حال تجدید قواست. مهم‌ترین ویژگی این جریان حقانیت و مشروعیت دادن به قدرت منصوب و مطلقه و مستقل از خواست و اراده مردم بوده و نظارت و پاسخگویی را بر این قدرت بر نمی‌تابد... جریان مزبور نقد قدرت را صرفاً برای صاحبان قدرت انتخابی جایز دانسته و اربابان قدرت انتصابی را مصون از هرگونه خطا قلمداد می‌نماید، لذا ملاحظه می‌شود قوه قضاییه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظایر آن خط قرمز ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی که اقتدارشان ناشی از انتخاب و اراده مردم است عرصه تاخت و تاز و سنگ‌اندازی این جریان می‌شود.

**دادفر:**

**توفیق در این نیست**

**که افرادی را برداریم**

**و افراد دیگری را جایگزین**

**کنیم، بلکه توفیق در این**

**است که جنبش اصلاحی،**

**یک حرکت**

**«بیدارگریانه»**

**بود.**

**رضاخان محصول یک مجلس**

**تضعیف شده**

سهراب بهلولی قشقایی نماینده مردم فیروزآباد در نطق قبل از دستور خود در تاریخ ۸۰/۱۰/۹ گفت:.... اگر مجلس تضعیف شد و شکست، استبداد ظهور می‌کند و دیکتاتور متولد می‌شود. رضاخان محصول مجلس تضعیف شده است. نه آن رضاخان یا ویژگی مثبتش که راه و راه‌آهن ساخت بلکه با معایب آن که کشف حجاب نمود و استبداد را حاکم کرد.

.... بسیاری می‌گویند «وحدت»، بیابید ید واحد شوید، از اختلاف چشم ببوشید و یکی شوید. من با تجربه بیست و چند ساله عرض می‌کنم «نمی‌شود»... با هم تفاهم و توافق کنید که قطعاً این امر میسر است. در تفاهم ملی، جامعه با رأی اکثریت اداره می‌شود. در تمام دنیا هم مرسوم است که اقلیت تسلیم رأی اکثریت شود و با تفاهم برای حفظ منافع ملی تلاش کنند. اگر غیر از این بیندیشیم و مردم سالاری، آراء عمومی و حکومت قانون را نپذیریم به آپارتاید آفریقای جنوبی و یا صهیونیسم اشغالگران قدس می‌رسیم.

... پر واضح است که قانون اساسی در برخی از اصول از قبیل اصول اقتصادی، نظارت بر انتخابات، اختیارات ریاست جمهوری در حراست از

**سید هاشمی:**

**همه جناح‌ها برخی از**

**یارانه‌ها را غیر ضرور**

**و یا شیوه پرداخت آن را**

**ناکار آمد می‌دانند.**

**قائم مقام وزارت بازرگانی**

**در شورای آردونان**

**به صراحت**

**می‌گوید ۵۰ درصد از**

**یارانه پرداختی**

**دولت برای آرد**

**به شیوه‌های مختلف**

**نصیب رانت خوران**

**می‌شود.**

اجرای قانون اساسی نیاز به اصلاحات دارد. اصول اقتصادی در آن زمان با گرایش اقتصاد سوسیالیسی و حاکمیت اقتصادی دولت تدوین شده و امروزه با ضوابط و معیارهای اقتصادی بین المللی هارمونی لازم را ندارد و حضرت امام نیز اصلاح آن را در دوره های بیست ساله متصور دانسته اند (سخنرانی بهشت زهرا در سال ۱۳۵۷) اما امروز سند وفاق ملی است و ظرفیت لازم برای حل معضلات کشور را دارد و تا زمانی که اصلاح نشده و به تصویب ملت نرسیده، مقدس و مطاع است.

#### اعتنای عملی امام به قانون و رأی مردم

احمد پورنجاتی نماینده مردم تهران در نطق قبل از دستور: مضمون اصلی تمام این کارشکنی ها، خط و نشان کشیدن ها، ایجاد محدودیت ها و بگیر و ببند ها این است که «اکنون که مجلس در اختیار ما (یعنی یک جریان خاص) نیست، پس چه بهتر که اصلاً نباشد یا فلج ناکارآمد شود». ... به ویژه که مجلس در نظام ما یک نهاد صرفاً عرفی نیست، به مبانی شرع انور متکی است. همچنان که یک مجلس فرمایشی تحت امر سلطان و ملک و خلیفه نیست.

... نگرانی از روند فزاینده رد قوانین مصوب مجلس از سوی شورای نگهبان تحت عناوین مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی، اما با اتکای تفاسیری که بعضاً با روح حاکم بر اصول قانون اساسی منافات دارد و حتی مخالف رویه گذشته شورای نگهبان است و در مواردی نیز خارج از حیطه اختیارات قانونی این شورا انجام می شود.

چندی پیش مقام معظم رهبری فرمودند اگر کسی در مسؤلیت های نظام، مبانی امام را قبول نداشته باشد، ادامه مسؤلیتتش مشروع نیست. اما سخن اصلی و مهم تر این است که اولاً مبانی امام چیست؟ ... مبانی امام را می بایست در سیره حکومتی، در صداقت خدشه ناپذیر نسبت به مردم و در اعتنای عملی به رأی و نظر آنان، برخورد پدران به همه گرایش ها، اهتمام به قانونمداری و ... جستجو کرد.

اینک داوری کنید که چه کسانی به واقع به مبانی امام وفادارند: آن ها که رأی مردم را تشریفات می دانند؟ آن ها که حتی در مجامع عمومی، حسرت دین داری دوران شاه را می خورند؟ آن ها که در تنگنای احکام مولوی و ارشادی دست و پا می زنند؟ آن ها که خودشان را به جای نظام نشانده اند؟ آن ها که ... کاری به جز تقدیس خشونت و تکفیر و ناسزاگویی ندارند؟ ...

#### منافع دوجانبه ایران و افغانستان

ابوالقاسم مختاری نماینده مردم زابل (نطق قبل از دستور ۸۰/۱۰/۲۳) ... از وزیر امور خارجه استدعا دارد که نسبت به گرفتن حق آب ایران از افغانستان با توجه به قرارداد ۱۲ ماده ای سال ۱۳۵۱ با حسن تفاهم مذاکره و اقدام عملی معمول فرمایند.

مزیت های ایران و منافع دوجانبه ایجاب می کند که با توجه به نیاز مردم افغانستان به صنایع غذایی، پوشاک، ملزومات ساختمانی، سوخت و حامل های انرژی نسبت به محور ترانزیت کالا از مسیر چابهار به زابل و

زرنج و دل رام در جنوب غرب افغانستان که هفتصد کیلومتر از مسیرهای موجود نسبت به پاکستان نزدیک تر است اقدامی جدی و سریع معمول گردد و ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سیستان می تواند بخش وسیعی از این مشکل را حل و حمل و نقل کالا را قانونمند و ساماندهی نماید.

#### ۵۰ درصد یارانه آرد نصیب رانت خواران می شود

سید مصطفی سیدهاشمی نماینده مردم مراغه و عجبشیر:

... همه جناح ها برخی از یارانه ها را غیر ضرور و یا شیوه پرداخت آن را ناکارآمد می دانند. قائم مقام وزارت بازرگانی در شورای آرد و نان به صراحت می گوید ۵۰ درصد از یارانه پرداختی دولت برای آرد به شیوه های مختلف نصیب رانت خواران می شود. پرداخت یارانه بنزین چیزی جز از دست دادن منابع ملی و هدر دادن سرمایه های کشور نیست. ۳۴ درصد از یارانه پرداختی بنزین نصیب ده درصد از اقشار پردرآمد می شود. در حالی که مجلس دولت را مکلف کرده که شیوه یارانه را دگرگون کند، دولت تحت تأثیر فضای سیاسی آن را در بودجه سال ۱۳۸۰ نیاورده است.

#### فساد در حال پوساندن سیستم است

احمد توکلی دیداری با آقای کربوبی در مجلس داشت. در حاشیه این دیدار به خبرنگاران می گوید که [قوه قضاییه برخورد با مفاسد اقتصادی را] ابتدا از فرزندان مقامات قبلی و فعلی این قوه آغاز کرده است. وی در مورد احتمال فراموش شدن آقازاده ها در کنار پرونده شهرام جزایری می گوید: اتفاقاً آقازاده ها در رابطه با همین پرونده ها بازداشت شده اند و ممکن است ضمن ارتکاب جرایم دیگری در رابطه با این پرونده هم بوده اند.

توکلی در مورد مصونیت پارلمانی نمایندگان هم معتقد است در شرایط فعلی طرح این مسأله مضر است و کار قوه قضاییه هم که به تعقیب یک نماینده پرداخت، درست نبود زیرا در شرایطی که فساد در حال پوساندن سیستم است، رسیدگی به آن اهمیت بیشتری نسبت به مسایلی دارد که مورد تردید است، ایشان موضوع مصونیت نمایندگان را نه «مانند قانون اساسی زمان شاه» می پذیرد و نه «فاقد مصونیت» می داند.

ایشان همچنین می گوید به سهم خودش تلاش می کند تا لقمانیان در زندان نماند.